



■ شاعر: جانولی  
■ خونگ  
■ مترجم: فاطمه  
■ علیزاده  
■ ناشر: نگاه

«جانولی خونگ» یکی از شاعران و نثرنویسان مشهور چین است که در سال ۱۹۵۲ در شانگهای به دنیا آمده است. او سرایش شعر و نوشتن نثر را از سال ۱۹۷۰ آغاز کرد و در سال ۱۹۸۲ از دانشکده ادبیات دانشگاه تربیت معلم شرق چین فارغ التحصیل شد. او در حال حاضر عضو شورای انجمن نویسندگان چین و نایب رئیس انجمن نویسندگان شانگهای است. کتاب حاضر برگزیده‌ای از شعرها و نثرهای اوست.

### خنده غمگین‌ترت می‌کند



■ شاعر: بختيار علی  
■ مترجم: مریوان  
■ حلبچه‌ای  
■ ناشر: نالغ

مجموعه شعر «خنده غمگین‌ترت می‌کند» تجربه‌ای متفاوت در ساحت شعر کردی به شمار می‌رود: «دیوار کاخ‌های تو / جای سپید یادگاری‌هایمان بود / هر لحظه می‌خواستیم یار بگیریم / با تبسم عشق می‌آمدیم سر راه‌های سرد تو / هرگاه می‌خواستیم بچنگیم / چاقو در دست به زیر چراغ‌های غمگین تو می‌آمدیم / با دستکش از میان دکان‌های تو پروانه‌های خدایی صید می‌کردیم.»

### در خم گیسوی دلتنگی



■ شاعر: آدونیس  
■ مترجم: فواد  
■ روستایی  
■ ناشر: نگاه

آدونیس کسی است که از زمان، بیابان و مکان جنون می‌آفریند، به قلب نغمات نقب می‌زند، میراث‌ها را هدر می‌دهد، مرزها را از میان برمی‌دارد، به خورشید گوش می‌سپارد، دست نوازش سر سایه می‌کشد، میزبان روشنایی شب می‌شود و برای دوباره زاده شدن بر سر چشمه خون توقف می‌کند: «در تلاش بود که از خیابان بگذرد / نه یارای گام‌زدن در سایه را داشت / نه توان راه رفتن در آفتاب را / میان سایه و آفتاب راهی نیافت.»

# جهانی رویاگونه و زیبا

چشم‌های الزا مجموعه اشعار لویی آراگون  
شاعر فقید فرانسوی منتشر شد



محمدصادق رئیسی  
شاعر و مترجم

لویی آراگون، در سال ۱۸۹۷ در شهر پاریس دیده به جهان گشود. یعنی سال‌های پایانی قرن نوزدهم، و آغاز قرن پرتلاطم. آراگون هنوز جوان بود که شعله ویران‌گر جنگ بر اروپا و جهان سایه افکند و لویی جوان که عطای تحصیل پزشکی در دانشگاه را به لقای آن بخشید، به عنوان پزشکبار در جنگ اول جهانی وارد خدمت نظام شد. در اثنای جنگ بود که با آندره برتون آشنا شد و این آشنایی به پیوستن آن دو به جنبش دادانیسم ختم شد و بعدها با همکاری فیلیپ سوپو، مجله ادبیات را پایه‌گذاری کردند. دادانیست‌ها جوانان معترضی بودند که از عواقب ناشی از جنگ دل‌آزرده بودند و در پی آن برآمدند تا مجله خود را به محفلی برای بیان اعتراض به وضع موجود در بیاورند. اما آشفتنگی‌ها و غرابت‌های موجود بین اعضا، این جنبش را برهم زد و دیری نپایید که دادا جایی در میان اهالی هنر و مردم پیدا نکرد و به شکست انجامید. اما آراگون که میل به مطالعه و جنبش را از همان بدو کودکی در خود داشت، از پا نشست و در سال ۱۹۲۳ جنبش سورئالیسم را به همراه برتون و تنی چند از شاعران و نویسندگان دیگر به راه انداختند. جنبش سورئالیست در فرانسه در حقیقت در برابر تناقض‌های سخت و دشوار اجتماعی سربرآورد که خود برآمده از بحران ناشی از جنگ و پیامدهای ناگوار پس از آن بود. شاعران پس از جنگ جهانی برای گریز از مصایب سنگین و خانه‌برانداز و استیصال انسان، واقعیت را با رویا درآمیخته بودند تا مگر اندکی از آن بار سنگین مصیبت را بکاهند.

می‌ایستد کنار جویبار، می‌خواند و می‌دود  
فریادی طولانی می‌کشد به سوی آسمان  
دامنش گشوده است بر روی بهشت  
بسی دلرباست  
برگی را برمی‌انگیزد روی موجکی  
دست سفیدش را به آرامی بر پیشانی  
پاکش می‌نهد

سنباج‌ها از میان پاهایش می‌گریزند  
و آسمان در کلاهش می‌نشیند.  
تقریباً بیش از چهل اثر از لویی آراگون در زمینه داستان کوتاه، رمان و شعر به چاپ رسیده است. آتش شادمانی و جنبش مداوم-۱۹۲۶، شادمانی بزرگ-۱۹۲۹، ستمدیده و ستمگر-۱۹۳۱،

قرار می‌گیرند که حیرت و شیفتگی را با خود می‌آورد.  
در سه مجموعه نخست، آراگون عمدتاً از مبانای سورئالیست‌ها پیروی می‌کند، اما نشانه‌های تحول را می‌توان از مجموعه چهارم او مشاهده کرد. در کتاب «ستمدیده و ستمگر»، به آرمان‌های کمونیستی توجه نشان می‌دهد. در واقع این کتاب و کتاب «زنده‌باد اورال»، نگاه مبارزه‌طلبی و روحیه مقاومت و انقلابی آراگون را نشان می‌دهد:  
شما نه خواستار شهرت بودید  
نه خواستار اشک  
نه خواستار مرثیه  
نه خواستار نیایش مردگان،  
یازده سال چون برق و باد گذشت، یازده سال!  
شما تنها سلاح‌تان را به کار برده بودید  
چشمان پارتیزان‌ها به مرگ کور نمی‌شود  
نگاره‌هایتان را بر دیوارهای شهر ما  
کوبیده بودند  
سیاه از ریش و از شب ژولیده تهدیدآمیز  
دیوارکوبی که به لکه‌ای خون می‌ماند...  
اما اوج شهرت آراگون با عاشقانه‌های اوست. «ترانه‌ای برای الزا»، مجموعه ۶ شعر نسبتاً بلند در ستایش الزا، که نه تنها تغییر

زنده‌باد اورال-۱۹۳۴، ترانه‌ای برای الزا-۱۹۴۱، دلتنگی-۱۹۴۱، چشم‌های الزا-۱۹۴۲، موزه گرون-۱۹۴۳، بیداریاش فرانسوی-۱۹۴۵، در کشوری غریب در دل کشورم-۱۹۴۵، دلتنگی جدید-۱۹۴۸، چشم‌ها و خاطره-۱۹۵۴، کاروان‌های من و اشعاری دیگر-۱۹۵۴، رمان ناتمام-۱۹۵۶، الزا-۱۹۵۹، شاعران-۱۹۶۰، پاریس برایم جز الزا نیست، سفر هلند-۱۹۶۵. (کلیات شعرهای او تحت‌عنوان چشم‌های الزا، توسط جواد فرید از سوی نشر نگاه منتشر شده است.) آراگون با همین آثار توانسته خود را به عنوان یکی از اثرگذارترین شاعران قرن بیستم مطرح کند. جریان سیال ذهن و گونه‌ای رئالیسم جادویی، تجربه‌هایی است که با شعر آراگون به شعر قرن بیستم جهان راه یافته است. آراگون همواره و پیوسته به دو جنبه شعر توجه نشان داده: نخست شعر آزاد با رویکردی دادانیستی و سورئالیستی، و دیگری در قالب شعر کلاسیک. اما شعر آراگون سویه دیگری هم دارد که او و آثارش را نسبت به دیگران متمایز نشان می‌دهد؛ و آن سویه عاشقانه‌شیرایی آن است. عشق مفرط به الزا- همسرش- با چنان شکل و صف‌ناپذیری در منظر دیدگان مخاطب